صندلی‌های خالی به هزینه خزانه کشور

به حد نصاب نرسیدن جلسه مجلس انتقاد نایب‌رئیس را برانگیخت

شرق؛ محمدحسن نجمی: حدود ۴۵ دقیقه بحث و نطق مخالفان و موافقان «طرح اصلاح مواردی از آیین‌نامه داخلی مجلس» در جلسه علنی روز چهارشنبه، بی‌نتیجه ماند و به جلسه یکشنبه موکول شد؛ به دلیل اینکه طرح امکان رأی‌گیری نداشت، آن‌هم به‌دلیل اینکه تعداد نمایندگان حاضر در جلسه علنی مجلس، از حد نصاب لازم برای رأی‌گیری کمتر بود. حد نصاب لازم برای رأی‌گیری در جلسه علنی مجلس، بیش از ۱۹۴ نفر است؛ یعنی بیش از دوسوم از ۲۹۰ نماینده مجلس.

این موضوع که تعداد نمایندگان برای رأی‌گیری به حد نصاب نرسید، انتقاد رئیس جلسه؛ یعنی «مسعود پزشکیان»، نایب‌رئیس اول مجلس را در پی داشت. هنگامی که پزشکیان گفت رأی‌گیری باید به یکشنبه موکول شود، برخی نمایندگان به تابلوی اعلام تعداد حاضران در جلسه اشاره کردند که تعداد لازم برای رأی‌گیری، در صحن هستند؛ اما پزشکیان در پاسخ گفت: «این عددی که تابلو نشان می‌دهد، با آن چیزی که به ما اعلام کردند متفاوت است. متأسفانه برخی نمایندگان بدون اینکه کارت بزنند، از صحن خارج می‌شوند و هم‌اکنون نیز چهار نفر از نمایندگان بدون کارت‌زدن صحن را ترک کرده‌اند». در نهایت، رئیس جلسه اعلام کرد به دلیل حضورنداشتن تعداد کافی نمایندگان برای رسمیت‌داشتن رأی‌گیری و جلسه علنی، امکان انجام رأی‌گیری وجود ندارد.

«محمدحسین فرهنگی»، عضو هیئت‌رئیسه دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «آن چهار نماینده، پس از دقایقی به صحن برگشتند ولی چون آن زمان اعلام شده بود که رأی‌گیری به یکشنبه موکول شده، دیگر نمی‌شد رأی‌گیری انجام شود». او همچنین گفت که پس از این موضوع جلسه وارد تذکرات شد و روند خود را طی کرد. فرهنگی درباره اینکه در جلسه یکشنبه باز هم مخالف و موافق باید صحبت کنند یا خیر، گفت: «شش نفر صحبت کرده‌اند که دیگر موافق و مخالفی برای جلسه یکشنبه باقی نمانده است». عضو هیئت‌رئیسه همچنین می‌گوید: «احتمالا پیش از رأی‌گیری در روز یکشنبه، در حد دو، سه دقیقه توضیحاتی درباره طرح داده شود». درهمین‌حال، او حاضر به اعلام نام چهار نماینده نشد؛ هرچند مضمون کلام «فرهنگی» این است که اختلال خاصی در روند جلسه مجلس پیش نیامده، ولی می‌توان همین به اصطلاح «ازعددافتادن مجلس» را هم نوعی بی‌نظمی در روند جلسه دانست.

عکس: ایرنا

هزینه‌های هر دقیقه از جلسات علنی

سال گذشته «تسنیم» در گزارشی با حساب‌کردن تعداد جلسات و دقایق آن و همچنین احتساب بودجه مصوب برای مجلس در سال ۹۳، هزینه هر دقیقه جلسه علنی مجلس در سال ۹۳ را حدود ۱۷میلیون‌و ۸۰۰ هزار تومان ذکر کرده بود. به همین ترتیب، هزینه یک ساعت جلسه علنی، کمی بیش از یک میلیارد تومان و به تبع آن، هزینه یک روز جلسه علنی، حدود چهارمیلیاردو ۲۷۰ میلیون تومان تخمین زده شده بود.

این گزارش با احتساب اینکه تعداد جلسات سال ۹۵ هم به همان تعداد سال ۹۳ است و همچنین در کنار افزایش بودجه سال ۹۵ مجلس با توجه به افزایش هزینه‌های جاری ازجمله آب، برق، تلفن، حقوق کارمندان و...، هزینه هر دقیقه جلسه علنی را در سال ۹۵ حدود ۲۲میلیون‌و ۲۵۰ هزار تومان محاسبه کرده بود.

بر اساس محاسبه «تسنیم»، هزینه یک ساعت جلسه مجلس در سال ۹۵، حدود یک‌میلیاردو ۳۳۵ میلیون تومان و هزینه یک روز جلسه علنی، حدود پنج‌میلیاردو ۳۳۵ میلیون تومان بیان شده بود. هر جلسه علنی مجلس حدود چهار ساعت است.

این محاسبات در حالی است که هزینه‌های جلسه علنی تنها محدود به هزینه‌های جاری در مجلس نمی‌شود. از آنجا که جلسات علنی از رادیو فرهنگ به صورت مستقیم پخش می‌شود، هزینه‌های ارتباط مستقیم برای پخش زنده مذاکرات مجلس را هم باید به این هزینه‌ها اضافه کرد. از سوی دیگر، اگر هزینه خبرنگارانی را که برای پوشش اخبار مجلس راهی بهارستان می‌شوند، هم در نظر گرفت، این هزینه‌ها افزایش می‌یابند؛ به‌ویژه برای رسانه‌هایی که بودجه آنها از محل بیت‌المال تأمین می‌شود.

با درنظرگرفتن این مسائل، اگر هزینه تشکیل جلسه در سال ۹۶ هم همان هزینه‌های محاسبه‌شده از سوی «تسنیم» در سال ۹۵ در نظر گرفته شود، ۴۵ دقیقه نطق مخالفان و موافقان طرح یادشده در روز چهارشنبه، حدود یک میلیارد تومان هزینه داشته است.

سابقه به عدد نرسیدن

این مشکل؛ یعنی به‌عددنرسیدن مجلس و از حد نصاب افتادن به واسطه حضورنداشتن نمایندگان، مختص به جلسه چهارشنبه نبود؛ دفعاتی بوده که حتی جلسه علنی به دلیل به حدنصاب نرسیدن تعداد نمایندگان تعطیل شده است. آبان ۱۳۸۶ بود که هیئت‌رئیسه مجلس هفتم، روز چهارشنبه به دلیل نداشتن حد نصاب، جلسه مجلس را یک‌ساعت‌و ۱۰ دقیقه زودتر تعطیل کرد. آن زمان سایت «آفتاب‌نیوز» گزارش داده بود: «حمیدرضا حاجی‌بابایی»، عضو هیئت‌رئیسه مجلس هفتم، گفته بود: «یک‌سری از نمایندگان همراه رئیس‌جمهوری به اردبیل سفر کرده‌اند و عده‌ای دیگر در آستانه تولد امام رضا(ع) به مشهد سفر کرده‌اند، ولی به‌هرحال این حضورنداشتن نمایندگان قابل توجیه نیست». او افزوده بود: «حق مطلب این است که گفته شود نمایندگان کم‌انصافی کردند، هیئت‌رئیسه هم سعی کرد تا ساعت ۱۱ جلسه را ادامه دهد، ولی به خاطر حدنصاب‌نبودن مجبور به تعطیلی جلسه شدیم». حاجی‌بابایی همچنین حضورنداشتن نمایندگان را در شأن مجلس اصولگرا ندانسته بود. شهریور سال ۱۳۸۵ هم در مجلس اصولگرای هفتم، به دلیل حضور برخی نمایندگان در مراسم افتتاح طرح‌های عمرانی در حوزه‌های انتخابیه و ویژه‌برنامه‌های هفته دولت و همچنین حضور در مراسم گرامیداشت شهدای دولت، مجلس به حد نصاب نرسید و تشکیل جلسه نداد.

در مجلس نهم هم از این دست اتفاقات افتاده است؛ آخرین روز از بهمن ۱۳۹۲ هم بنا بود ساعت ۸:۳۰ جلسه علنی آغاز شود؛ اما آن‌طور که «فارس» گزارش داد: «با گذشت نیم‌ساعت از زمان مقرر برای آغاز جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی، بااین‌حال به دلیل به حد نصاب نرسیدن حضور نمایندگان در جلسه علنی، هنوز نوبت صبح آغاز نشده است». به نوشته «فارس»: «کنفرانس اتحادیه رؤسای مجالس عضو سازمان همکاری‌های اسلامی و برگزاری جلسه تلفیق، مهم‌ترین دلیل به حد نصاب نرسیدن حضور نمایندگان در جلسه» بود.

هرچند با پایان نطق‌های مخالف و موافق «طرح اصلاح مواردی از آیین‌نامه داخلی مجلس» در روز چهارشنبه، رأی‌گیری روز یکشنبه انجام خواهد شد، ولی درهرحال این حرکت نوعی بی‌نظمی در روند کار مجلس به وجود آورد.

ادامه از صفحه ۱۵

گفت‌وگو؛ هم استراتژی هم تاکتیک

در حوزه موسیقی.

در حوزه نظری در مجلاتی که در حوزه داشتیم به آن پرداخته بودیم.

یعنی موسیقی هم گوش می‌دادید و می‌دهید؟

در زمینه موسیقی، شاید برای آنکه ژان کریستف را خوانده بودم به موسیقی کلاسیک علاقه‌مند شدم. در کنار این موسیقی، البته موسیقی سنتی ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشت. اما در معدود اجراهای صحنه‌ای موسیقی حضور داشتم، کمتر از سینما و تئاتر.

پس سابقه زیادی در مصرف محصولات فرهنگی دارید؟

بله! اما همان‌طور که گفتم با توجه به سه ساحتی که برشمردم، دلیلی ندارد که چون در ساحت‌های وجودی و معرفتی علاقه و آگاهی نسبی دارم، به‌عنوان یک همه‌چیزدان در این زمینه‌ها سخن بگویم یا بنویسم یا اظهارنظر تخصصی کنم. ساحت کارکردها برای کسانی باید باشد که در هر حوزه‌ای آشنایی متوسط به بالا دارند. به‌عنوان اینکه در این زمینه‌ها علاقه دارم یا مطالعاتی کرده‌ام دلیلی ندارد که درباره تئاتر، سینما، موسیقی و... بنویسم. تخصص را باید محترم بشماریم.

یک وقت بحث به‌عنوان مصرف‌کننده فرهنگ و هنر است و یک وقت به‌عنوان مدیریت آن. کمی ماجرا را گسترده‌تر مطرح کنیم که در زمینه مدیریتی واقعا چنین توانی در خودتان می‌بینید؟ مثلا گردش سرمایه در سینما بیشتر از سالانه چندصد میلیارد است، هر توقیف فیلم برابر است با ازبین‌رفتن زحمات بیشتر از ۷۰ نفر که کاملا با حوزه کوچک‌تر کتاب و... فرق دارد.

تقریبا برای تولید همه محصولات فرهنگی، مجموعه‌ای از افراد تلاش می‌کنند. هر حوزه فرهنگی، برای تولید اثر حلقه دارد، حلقه‌هایی که کوچک و بزرگ است. ما باید در حوزه مشاغل فرهنگی این نکته را در نظر داشته باشیم که هر محصولی با مجموعه‌ای از شغل‌ها در ارتباط است. تصمیمات باید بر مبنای این باشد که امنیت شغلی و فکری افراد به خطر نیفتد، اما این انتظار که در حوزه فرهنگ و هنر کسی که می‌آید، متخصص همه حوزه‌ها با این تنوع و گستردگی باشد، ممکن نیست. اما اینکه موضوع را از نظر معرفتی بشناسد و از نظر وجودی به آن تعلق داشته باشد و از لحاظ کارکردی لوازم مدیریتی آن را بداند، می‌تواند این اعتماد را فراهم کند. به دلیل علاقه شخصی که به این حوزه‌ها داشتم و دارم و به قول شما مصرف‌کننده فرهنگ و هنرم و به‌واسطه چهار سال معاونت فرهنگی و حضور در جلسات شورای معاونان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جریان بحث‌ها و مشکلات و مسائل این حوزه‌ها هستم و آشنایی با مدیریت کلان در این مدت به وجود آمده است.

در چهار سال فعالیت در معاونت امور فرهنگی هم نشان داده‌ام که اهل مشارکت هستم. همچنان که در برنامه‌های معاونت امور فرهنگی همه گروه‌ها و اصناف مشارکت دارند و کمک می‌کنند، در بقیه حوزه‌ها هم همین‌گونه است. ما تنهایی نباید حوزه‌ها را مدیریت کنیم. هم مدیر تخصصی آن حوزه را داریم و هم هنرمندان و نهادهای صنفی که دستمان را برای مشارکت آنها در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و فعالیت دراز می‌کنیم.

پس از اعلام برنامه شما نقدی در برخی از سایت‌ها نوشته شد که چرا در برنامه شما خبری از حوزه‌های تئاتر و سینما و موسیقی نبود؟

برنامه ارائه‌شده شامل همه حوزه‌های هنر و فرهنگ است. وقتی می‌گوییم هنر شامل موسیقی و تئاتر هم می‌شود. همچنان که نامی از کتاب هم برده نشده است. ما سه معاونت تخصصی و یک سازمان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داریم. معاونت هنری که شامل هنرهای تجسمی، موسیقی و تئاتر است. وقتی می‌گوییم حوزه هنر یعنی شامل همه هنرها می‌شود. معاونت مطبوعاتی است که موضوع کارش رسانه است و معاونت فرهنگی که یکی از موضوعات فعالیتش کتاب است و سازمان سینمایی که به سینما می‌پردازد. در برنامه اجمالی و کلی که به مجلس داده‌ایم، به هر چهار حوزه فعالیت اشاره شده است و موسیقی و تئاتر و هنرهای تجسمی همه تحت عنوان هنر آمده‌اند، چون در معاونت هنری مجتمع شده‌اند.

البته، برنامه عملیاتی داریم که در همه این حوزه‌ها به صورت جداگانه و براساس نظر هنرمندان و معاونت‌های تخصصی در اولین فرصت تدوین و ارائه خواهد شد.

در این دوره، وقتی قرار شد برنامه را بنویسیم، اعلام شد که قرار است به صورت یک کتابچه برنامه تمام وزرا تحویل نمایندگان مجلس شود. فرمت خاص با محدودیت ۱۶صفحه‌ای در نظر گرفته شده بود. این مسئله محدودیت‌هایی با خودش داشت، طبعا ما در حوزه‌هایی که اسم عام داشت، از همان اسامی استفاده کردیم و نخواستیم به تمام شاخه‌های هنر و فرهنگ آن به‌طور مجزا اشاره کنیم. در برنامه‌های اقدام که ناظر به این برنامه ۱۶صفحه سیاست‌گذاری است، قطعا برای هر حوزه به‌طور مجزا جزئیات در نظر گرفته می‌شود.

آخرین پرسش این است که در این مدت اسم‌هایی به‌عنوان همراهان شما در آینده مطرح می‌شود که به جریان‌هایی نه‌چندان مورد علاقه اهالی فرهنگ و هنر منتسب هستند و باعث نگرانی‌هایی می‌شود.

حقیقتا خود من تا اعلام اسامی به مجلس، امیدوار بودم که این قرعه به نام من نیفتد، آن‌وقت چطور می‌توانم برای همراهان و تیم فکر کرده باشم؟

ادامه از صفحه ۷

صالحی هسته‌ای می‌ماند

شاید رئیس سازمان انرژی اتمی اولین کسی باشد که در مسیر توافق برجام اعتراض کرد؛ او گفت آمریکایی‌ها «دبه» می‌کنند؛ شاید همین اعتراف او سبب شد تا حسن روحانی برای مدتی از صالحی دلگیر باشد؛ اما روحانی محمود احمدی‌نژاد نبود و هرگز این کدورت باعث نمی‌شد روی نام صالحی، خط قرمز بکشد. زمانه هم با صالحی یار بود و روحانی نیک می‌دانست به تجربه صالحی در مسیر پرونده هسته‌ای نیاز دارد. البته بعدها صالحی گفت: «یک بار گفتم آمریکایی‌ها دارند دبه درمی‌آورند و آن زمان هنوز توافق نشده بود و الان به‌وضوح می‌بینیم که یک دبه نه، بلکه دبه‌های زیادی درآورده‌اند». صالحی آن زمان یک تذکر از روحانی می‌گیرد و آن اینکه فقط درباره مسائل فنی مذاکره گفت‌وگو کند. صالحی بعدها درباره این مسئله گفت: «دو سال پیش، حدود یک یا دو ماه از تصویب برجام گذشته بود که دو نکته را گفتم؛ اول اینکه آمریکایی‌ها دبه می‌کنند که این کلمه خودش داستان شد و دومین مسئله‌ای که گفتم، این بود که بانک‌های بزرگ هنوز وارد میدان نشدند که آقای روحانی هم عصبانی شدند و من را توبیخ کردند. من در حد توبیخ‌شدن از سوی رئیسم، حرفم را گفتم. خیلی از حقایق را نمی‌توان گفت؛ اما حقیقت‌های این‌گونه را بنده با تشخیص خودم اعلام کردم».

قسم حامی در مجلس

او روزی در مجلس در برابر نماینده‌ها قسم می‌خورد: «در مسائل هسته‌ای نه با کندی روبه‌رو خواهیم شد نه با توقف»، قسمی که او بعدها درباره آن گفت: «قسمی که من خوردم، درباره کل برجام نبود. من در برجام مسئول بحث فنی بودم؛ در بُعد فنی ما الان کار خودمان را انجام می‌دهیم». درعین‌حال، صالحی در پاسخ به مخالفان برجام زبان صریحی دارد. او در یازدهمین همایش استادان و دانشجویان ایرانی خارج از کشور در مشهد، خطاب به مخالفان برجام گفت: «ان‌شاءالله ترامپ برجام را پاره کند تا بفهمیم به کجا خواهیم رسید». تندترین نطق صالحی در ۱۹ مهر ۱۳۹۴ در صحن مجلس نهم ثبت شده است؛ همان روزی که صالحی تهدید شد ولی از حمایت برجام دست نکشید. آخرین گفته صالحی درباره برجام این است: «اگر برجام برای آمریکایی‌ها خوب است، چرا ترامپ و اسرائیل از آن ناراحت‌اند؟! چرا ترامپ می‌گوید برجام بدترین قرارداد تاریخ آمریکا است؟!».

ادامه از صفحه اول

مجلس و کابینه روحانی

بنابراین رأی‌ندادن به آنها به اعتبار کارایی و درست‌تر گفته باشیم نداشتن یا پایین‌بودن آن، بهانه‌ای بیش نیست؛ چراکه هیچ‌کدام از وزرای پیشنهادی که قبلا در کابینه حضور داشته‌اند، در چهار سال گذشته به عنوان وزرایی که از نظر اجرائی و توان مدیریتی «مسئله‌دار» بوده باشند، مطرح نبوده‌اند. به عبارت دیگر، اگر نمایندگان به وزرای «دور دومی» به بهانه نداشتن صلاحیت مدیریتی، رأی ندهند، علی‌القاعده این پرسش در ذهن مردم مطرح می‌شود که پس چرا نمایندگان محترم مجلس دهم، در مدت نسبتا شایان توجهی که از عمر این مجلس می‌گذرد، نه این وزرا را استیضاح کرده‌اند، نه تلاش جدی کرده‌اند که آنان را به مجلس احضار کرده و مورد بازخواست قرار دهند و چه شده که ناگهان متوجه کارایی این یا آن وزیر دور دومی شده‌اند؟ چگونه می‌شود که در چهار سال گذشته، وزرای دور دومی نوعا مشکلی با مجلس نداشته‌اند؛ اما یکباره اکنون نمایندگان مختلف متوجه شده‌اند کارایی ندارند؟ واقعیت این است که مخالفت نمایندگان با هرکدام از وزرای دور دومی، بسیار سؤال‌برانگیز خواهد شد. می‌ماند اینکه نمایندگان مدعی شوند که به واسطه مسئله چینش کابینه؛ یعنی معرفی‌نشدن وزیر زن یا برخی چهره‌های مورد انتظار است که دارند رأی کبود می‌دهند. در این صورت، انتقاد آنها علی‌القاعده نمی‌تواند متوجه یک وزیر خاص شود؛ بلکه گلایه آنان نسبت به جهت‌گیری کلی شخص آقای رئیس‌جمهور باید مطرح شود. بنابراین دادن رأی کبود به این یا آن گزینه پیشنهادی وزارت، عملا بی‌معنا می‌شود. درعین‌حال، از این نکته مهم هم نمی‌توان غافل شد که انگیزه‌های مردم در انتخابات اسفند ۹۴ در مجلس دهم و رأی‌دادن به چهره‌های فهرست امید که قرار بوده فضایی متفاوت از مجلس نهم در قبال دولت پیش بگیرند، خیلی متفاوت از انگیزه‌های آنان از انتخاب مجدد آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم نیست. بنابراین مخالفت احتمالی این چهره‌ها و همچنین جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب، با وزرای دور دومی که در دوران سخت دولت اول روحانی، تلاش‌های درخورتوجهی در آواربرداری داشتند، از این بابت هم بی‌معنا و سؤال‌برانگیز خواهد شد؛ البته همه اینها که گفتیم، مانع انجام وظیفه و رسالت اصلی نمایندگی در ارزیابی وزرای پیشنهادی نمی‌شود؛ اما و درعین‌حال ایفای آن رسالت، یقینا باید با درنظرگرفتن مصالح و منافع ملی همراه باشد و نه خدای نکرده با محاسبات و انگیزه‌های فردی، سیاسی یا جناحی.

تهران یا ایران؟

اگر کادر مدیریت جدید شهر تهران با انگیزه پاک و امانت‌داری و با برخورداری از «علم» و دانش و تفکر جدید قادر به درک لایه‌های مشکل و بحران و یافتن روش حل مسائل باشد، و همچنین بتواند با همراه‌کردن مردم تهران به‌عنوان یک امر راهبردی در صحنه عمل، موفق به حل مسائل پیچیده شهر شود، آن‌گاه می‌توان امیدوار بود که کارنامه چهار دهه قبل، این بار نمره‌ای در حد انتظار گرفته است. این امیدواری وجود دارد که با رأی غیررسمی اعضای منتخب شورای پنجم به دکتر محمدعلی نجفی و احتمال بالای انتخاب ایشان در آغاز به کار شورای پنجم در شهریور ماه، نجات شهر میسر شود. معیار آبادی تهران (آن هم فقط با هزینه شهروندان تهرانی و نه تحمیل آن به سایر شهروندان ایرانی)، می‌تواند معیاری ملموس و نویدبخش برای امکان آبادی کل ایران باشد تا به‌عنوان الگویی برای رفع مشکلات ریز و درشت سایر شهرهای ایران به‌کار آید و مد نظر قرار گیرد. آن‌چه در این مأموریت نیاز «اول» ما است، همان برخورداری از علم کامل و امانت‌داری است که از جنس امور نرم‌افزاری در مدیریت امور است نه سخت‌افزاری.

گفتیم احمدی‌نژاد انصراف دهد

ایشان گفتند: «یک نفری، یک آقایی آمده پیش من، من هم به ملاحظه صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه شرکت نکنید.

نگفتیم هم شرکت نکنید، گفتیم صلاح نمی‌دانیم ما شما شرکت کنید. این را گفتیم، خب یک چیز عادی است». احمدی‌نژاد پس از این سخنان مقام معظم رهبری، در نامه‌ای خطاب به ایشان نوشت: «پس از آن حضرت‌عالی توصیه فرمودید که در این دوره مصلحت نیست بنده در انتخابات شرکت نمایم و این‌جانب نیز تبعیت خود را اعلام نمودم». اما احمدی‌نژاد با ثبت‌نام برای انتخابات ریاست‌جمهوری که در کنار «حمید بقایی» انجام داد، ناظران را شگفت‌زده کرد؛ اما با اعلام اسامی نامزدهای احرازصلاحیت‌شده، اسمی از احمدی‌نژاد و بقایی دیده نشد.